



آرش تنهایی، منبع تصویر: www.rangmagazine.com

پوستر آینه تمام‌نمای اجتماع!

در گفتگویی با آرش تنهایی

آرش تنهایی متولد ۱۳۶۰ در تهران، یکی از چهره‌های مهم نسل پنجم طراحان گرافیک ایران به شمار می‌رود، که در حوزه طراحی پوستر فعال است. آثارش را پوسترهایی برای تئاتر، نمایشگاه‌ها، سینما و در مجموع پوسترهای رویدادهای فرهنگی تشکیل می‌دهند.

او پس از تحصیل و اخذ دیپلم گرافیک در هنرستان مالک اشتر و کاردانی گرافیک در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران نوشتن را در باب گرافیک در همکاری با مجله تندیس، با نوشتن مقالاتی در حوزه تاریخ گرافیک و گفت‌وگو با پیشگامان گرافیک ایران آغاز کرد، وی تاکنون کتاب‌هایی درباره مرتضی ممیز^[۱]، کامران کاتوزیان^[۲] و کتابی با عنوان «سی سال تنهایی»^[۳] از مجموعه مقاله‌ها و پوسترهایش منتشر کرده است. دغدغه‌های تاریخ گرافیک او را به یکی از معدود پژوهشگران این عرصه تبدیل کرده است؛ او همچنین سابقه تدریس گرافیک در هنرستان هنرهای زیبای پسران، دانشگاه سمنان و دانشگاه علم و فرهنگ و چندین سمینار و سخنرانی را در کارنامه خود دارد.

گشتن در خیابان‌های تهران برای پیدا کردن دفتر یک هنرمند که می‌دانی هم سن و سال خودت هست باز من را به جوانی دوران دانشجویی می‌برد، زمانی که تهران بودم فقط در

۱- مرتضی ممیز (۱۳۱۵-۱۳۸۴) طراح گرافیک، تصویرگر، استاد دانشگاه است. او را پدر هنر گرافیک ایران می‌نامند.

۲- کامران کاتوزیان در سال ۱۳۲۰ در تهران به دنیا آمد. او در کارنامه خود کارشناسی هنرهای زیبا (نقاشی و مجسمه سازی) از دانشگاه ویندهام، ورمونت آمریکا (۱۳۴۰) را دارد.

۳- «سی سال تنهایی» مجموعه آثار آرش تنهایی، طراح، پژوهشگر و گرافیست است. این کتاب با مقدمه‌هایی از ابراهیم حقیقی، قباد شیوا و کیانوش غریب‌پور همراه شده و دربرگیرنده ۶ مقاله تخصصی درباره پوستر به قلم تنهایی است.





روزنامه ملا نصرالدین



نمونه اعلان

و شمرلینگ استفاده می‌کند و به نوعی اینقدر این طراحی‌ها زنده، زیبا و جذاب هستند که روی مطبوعات ایران تأثیر می‌گذارند. آن زمان قفقاز تازه از ایران جدا شده بوده و این ارتباط بین قفقاز و ایران خیلی نزدیک بوده اغلب آن‌ها خودشان را ایرانی می‌دانستند. مانند آخوندزاده که سی سال قبل از آنکه نمایشنامه نویسی در آسیا رواج پیدا کند نمایشنامه می‌نویسد. در چنین بستری با اعلان‌های تئاتر روبه‌رو می‌شویم قدیمی‌ترین اعلان‌هایی که داریم پوستر تئاتری است که در آن دوره است. آن زمان تئاتر چیزی شبیه روزنامه، ماهواره یا اینترنتی امروزی بوده، از تئاتر به عنوان رسانه‌ای برای روشن کردن اذهان مردم استفاده می‌شده و بیشتر به دنبال درس دادن به اجتماع بودند و پوسترهای تئاتر پوسترهای هستند که علاوه بر کارکرد اطلاع‌رسان‌داری بعد هنری و تجسمی هم دارند.

تمنای هنر معنا می‌شد و هرچه هم در کوچه پس کوچه‌ها گم می‌شدم و از این ناتوانی‌ام لجم می‌گرفت باز هم شناختن هنرمندان تمام رنج‌ها را از یادم می‌برد. عصر روز ۱۲ مرداد ۱۳۹۴ جستن محل دفتر فرشید پارسی کیا و دیدن خودش و آرش تنهایی از این دست مکاشفه‌های شیرین بود.

در این شماره گفتگوی صمیمی با آرش تنهایی را می‌خوانید که در گالری دنا شکل گرفت و آنچنان با موسیقی کلامش ذهن من را درگیر کرده بود که گذر زمان و شب شدن را نفهمیدم. **چیدمان: با توجه به ضرورت مطالعه و پژوهش در تاریخ گرافیک و پوستر در ایران و خلا موجود در منابع این رشته از آغاز و تاریخ پیدایش پوستر در ایران بگوئید؟**

در وهله اول باید گفت که ما یک فرهنگ شفاهی داشتیم. اعلان و اطلاع‌رسانی در جامعه ما از همان فرهنگ شفاهی مان برمی‌آمد که جارچیان و چاووشان که با صدای رسا راه می‌افتادند و وقایع و اطلاعات را به مخاطب می‌رساندند. پس از ورود ماشین‌های چاپ در دوره قاجار آرام آرام شاهد تک‌برگ‌هایی هستیم که تاریخ اعلان و پوستر در ایران با آن‌ها شروع می‌شود. اعلان‌هایی که شاه اعلام می‌کند احدی حق ندارد قند و شکر را از این قیمت بالاتر یا گندم را از این قیمت گرانتر بفروشد، یا ورود به عدلیه با اسلحه ممنوع است، اولین اعلان‌های ما اعلان‌های تک رنگی نوشتاری چاپی هستند که یک سری مسائل روزمره را به مردم اطلاع می‌دهند که این اعلان را احتمالاً بر در مسجد، تکیه، حمام و... می‌چسباندند به آن استشارنامه می‌گفتند، چیزی شبیه آنچه که ما امروزه در تابلوهای اعلانات می‌زنیم ابتدا به این آگهی‌ها استشارنامه گفته می‌شد این اسم تغییر می‌کند و فراموش می‌شود و پس از آن با اعلان روبه‌رو می‌شویم.

اعلان همان است، تا به وقایع مشروطه می‌رسیم. نیاز به آگاهی‌رسانی باعث می‌شود اعلان حکم شب‌نامه را هم دارد و از وجه حکومتی خارج می‌شود. قبلاً به طور مثال مشخص می‌شد که این اعلان در متبوعه سلطنتی چاپ شده است. گسترش چاپخانه‌ها و نهادهای خصوصی و اعلان‌های ضد حکومتی را نیز داریم. مثلاً اعلان بیداری ایران؛ اعلامیه علمای نجف و... به صورت اعلان چاپ می‌شود و به دست مردم می‌رسد. این یک اعلان کاملاً نوشتاری است که یک حاشیه در اطراف خود دارد و نهایتاً یک شیر و خورشید بالای آن است و به شکل یک برگ اعلامیه ساده به دست مردم می‌رسد. این شروع اعلان است.

چیدمان: پس می‌توان گفت اعلان‌ها همراه با تحولات اجتماعی و دوران مشروطه متحول شده‌اند؟ چه زمانی اعلان ارزش‌های هنرهای تجسمی را به خود می‌گیرد و از بعد اطلاع‌رسانی به مرحله هنری می‌رسد؟

در موازات اینها این اعلان وارد هنرهای تجسمی می‌شود و جنبه هنری به خود می‌گیرد و نمی‌توان مرز و زمان دقیقی را روشن کرد. می‌دانیم مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رسانه چاپی‌ای که به لحاظ بصری «روزنامه ملا نصرالدین»^[۴] است که در اواخر دوره قاجار در قفقاز میرزا جلیل محمدقلی‌زاده^[۵] آن را چاپ می‌کرده است و در آن از دو طراح آلمانی به نام‌های روتر

۴- ملا نصرالدین نام نشریه‌ای بود که به سردبیری جلیل محمدقلی‌زاده به زبان ترکی آذربایجانی و گاهی اوقات به زبان روسی منتشر می‌شد. این مجله که در سال ۱۹۰۶ تأسیس شد، در ابتدا در تفلیس (از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۷) منتشر می‌شد و سپس در تبریز (در ۱۹۲۱) و باکو (از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۱) انتشارش ادامه یافت. این مجله به زبان ترکی آذربایجانی چاپ می‌شد که هنوز به خط فارسی بود و بعد با روی کار آمدن شوروی الفبای لاتین جای آن را گرفت. هر از چند گاهی به زبان روسی نیز منتشر می‌شد. این مجله که به مدت ۲۰ سال منتشر شد، برای بسیاری از خوانندگان خود دریچه‌ای برای آشنایی با عالم سیاست هر چند در قالب طنز را گشود. میرزا علی‌اکبر صابر بنیان‌گذار مجله، با نام مستعار هوب‌هوب در آن اشعار انتقادی خود را منتشر می‌کرد. این روزنامه تأثیر زیادی بر نشریه صوراسرافیل داشت.

۵- میرزا جلیل محمدقلی‌زاده بنیان‌گذار روزنامه ملا نصرالدین بود. او در سال ۱۸۶۶ در دهی به نام نهرم از ولایت نخجوان زاده شد. پدرش محمدقلی نام داشت. خانواده او اصلاً ایرانی بودند و جدش حسین‌علی بنا از خوی به نخجوان رفته بود. وی معروف به میرزا جلیل و یک ادیب و داستان‌نویس سرشناس آذربایجانی بود. میرزا جلیل زیر نفوذ ادبی نویسندگان روس مثل نیکلای گوگول و آنتوان چخوف بود. خواندن و نوشتن را در نخجوان آموخت و در شهر گوری در گرجستان به دارالمعلمین رفت. سال‌ها در مدارس گرجستان آموزگار بود. در سال ۱۹۰۴ به تفلیس رفت و در روزنامه شرق روس مشغول به نویسندگی شد. چند داستان کوتاه منتشر کرد. نمایشنامه‌ای به نام مردگان نوشت که با استقبال زیاد روبه‌رو شد.



هیتلر در هیبت ضحاک ماردوش

که آمده‌اند و به نوعی دودمان هیتلر را بر باد دهند. خیلی از مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها این را به خاطر دارند.

چیدمان: آیا می‌توان گفت به دلیل ارتباط تنگاتنگی که هنر پوستر و اتفاقات اجتماعی دارند به شدت این هنر از جنگ جهانی متأثر شد تا جایی که وامدار تصاویر وارداتی شد؟

مهم‌ترین جریان گرافیک ما را در سال‌های پهلوی اول در دست چند طراح ارمنی است که در خیابان لاله‌زار مغازه‌هایی داشتند، برادران سروری^[۸]، تالبرگ^[۹]، آلدو^[۱۰]، اغلب کارهای گرافیک آن روزگار را طراحی می‌کنند، از نام نوشته روزنامه اطلاعات، تا نشان راه‌آهن. در کنار اینها طراحانی مثل رسام عرب‌زاده و خیلی‌های دیگر در دهه ۲۰ در خیابان لاله‌زار کار می‌کردند و به تبع اینها، پوستر هم طراحی می‌کردند؛ از جمله پوستر تئاتری که برادران سروری طراحی کرده‌اند اینها ارمنه‌ای بودند که در مسکو نقاشی خوانده بودند و اینجا در تهران کار گرافیک می‌کردند بعد از جنگ جهانی. طراحی پوستر فراگیرتر می‌شود، افرادی جسته و گریخته در هر جایی مثل بیوک احمدی در تبریز، محمد بهرامی در تهران و... شروع به کار گرافیک می‌کنند و چهره‌های صاحب نام می‌شوند. تجربه‌های افراد متفرق با تحصیلات تقریباً تحت

۸- موشق سروری (۱۲۸۹-۱۳۶۰) کارگردان، طراح صحنه، تهیه‌کننده و نویسنده سینه‌های ایران بود. وی برادر ناپلئون سروری بود. او بر اثر بیماری قند درگذشت.

۹- نقش فردریک تالبرگ در روند شکل‌گیری طراحی گرافیک نوین ایران، موثر و منحصر بفرد است.

باز باید گریزی بزنیم به سینما، که اگرچه از زمان مظفردین‌شاه به ایران وارد می‌شود و طبق چیزهایی که گفته می‌شود اولین فیلم ناطق فارسی به نام «دختر لر» هست. این فیلم در هندوستان ساخته می‌شود. پس یک جنبشی هم در طراحی پوسترمان داریم در هندوستان، دقیقاً مثل همان چیزی که در چاپ کتاب داریم. اولین شاهنامه‌ها در هندوستان چاپ شده است و به نوعی قدیمی‌ترین شاهنامه‌های ما چاپ دهلی، بمبئی و... هستند. آنجا هم جریانی داریم در طراحی پوستر که معروفترین آن‌ها چاندرا واکر است که پوستر فیلم دختر لر را طراحی کرده ولی هنوز در ایران نیستند داخل مرز جغرافیایی ایران نیستند داخل مرز فرهنگی ایران هستند در تبریز در اوایل قرن حاضر پوسترهای تئاتری مثل یوسف و زلیخا، مشتی عباد، مجموعه‌ای از این چیزها را ما در تبریز می‌بینیم این پوسترهایی است که در تبریز شروع می‌شود و پوسترهای تک رنگی است که به نوعی بدوی است نه توانایی طراحی روزنامه ملانصرالدین را ما در آن می‌بینیم نه توانایی پوسترهایی که در هندوستان کار می‌شود و نه توانایی مصورین کتابی مثل علی‌قلی خویی را دارد. این طراحان پوستر انگار از همدیگر بی‌خبرند و در جزیره‌های جدا از یکدیگر به سر می‌برند.

چیدمان: طی این روند گونه‌های هنری نیز پوستر متحول می‌شود؟

رضاخان با همان اعلان و اعلامیه‌ای حکومت نظامی‌اش می‌گوید که پست تعطیل؛ تلگراف تعطیل؛ همه چیز را تعطیل می‌کند و یک حکومت نظامی کامل را دارد، من نمونه‌ای از این اعلان را دارم در آنجا ما با یک دوره فطرت مواجه هستیم یعنی دوره‌ای که به نوعی متأثر ما کم کار می‌شود، سینما کم کار می‌شود، ضبط گرامافون که قبلاً در دوره قاجار بوده کمتر می‌شود، با یک رکودی روبه‌رو هستیم تا اینکه به قول معروف ایران به اشغال متفقین در می‌آید و ما با پوستر دیگری روبه‌رو می‌شویم. پوسترهایی که متفقین با هواپیما از آسمان روی ایران می‌ریختند، پوسترهایی که هیتلر را به شکل ضحاک ماردوش نشان داده و استالین، روزولت^[۶] و آیزنهاور^[۷] را با چند سوار بر اسب

6- Franklin D. Roosevelt(1882-1945)

7- Dwight D. Eisenhower(1890-1969)



تأثیر از آکادمی هنرهای زیبای مسکو یا تقلیس کار گرافیک را انجام می‌دهند و آرام آرام به جلو می‌آییم هنوز انقلابی در گرافیک و طراحی پوستر رخ نداده است، آن چیزی که بعضی‌ها می‌گویند مرتضی ممیز پدر گرافیک ایران نبود یا هر چیز دیگری، واقعیت این است که ما طراح گرافیک و پوستر داشتیم ولی آن انقلابی که باید رخ دهد هنوز رخ نداده است.

چیدمان: تحول اصلی با تأسیس دانشکده هنرهای زیبا آغاز می‌شود؟

بله، با تأسیس دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۲۸) و رشته نقاشی-معماری و مجسمه‌سازی و تأثیر این رشته‌ها در کنار همدیگر باعث می‌شود یک سری نقاش آکادمیک داشته باشیم و به این نقاشان آکادمیک می‌گویند که پوستر را هم بکشید. اینها کسانی چون صادق بریرانی^[۱۱]، هوشنگ کاظمی^[۱۲]، مرتضی ممیز، قباد شیوا^[۱۳]، فرشید مثقالی^[۱۴]، علی اکبر صادقی^[۱۵]، آیدین آغداشلو^[۱۶] و... هستند که نقاشی می‌کنند و کار گرافیک می‌کنند امرار معاش آن‌ها از طریق کار گرافیک است.

در این دوره هوشنگ کاظمی را داریم که اولین فارغ التحصیل آرت دکو فرانسه است، قبل از آن اشاره کنم که دانشکده هنرهای زیبا که تشکیل می‌شود به نوعی آموزش‌های بوزار فرانسه را پیاده می‌کند، حتی معلم فرانسوی داشتند. وقتی هوشنگ کاظمی برمی‌گردد دانشکده هنرهای تزئینی را سال ۱۳۳۷ تأسیس می‌کند. در دانشکده هنرهای تزئینی رشته‌ای است به اسم هنرهای ترسیمی و نگارشی یعنی هم تایپ و فونت و هم شکل و جدول؛ او کار را شروع می‌کند که تعدادی هم از این دانشکده فارغ التحصیل می‌شوند و معروف‌ترین آن‌ها محمد فولادی است که آرم کانون پرورش فکری را طراحی می‌کند و می‌سازد.

همراه با تحولات اجتماعی و انقلاب سفید به سال ۴۱-۱۳۴۰ و بعد از آن ۱۵ خرداد ۴۲ جامعه تغییر محسوس دارد از این جهت که بسیاری از روستاییان ساکن شهرها شده‌اند و ما دیگر در تولید گندم متکی به خویش نیستیم و واردکننده گندم شده‌ایم و شهرنشینی بی‌رویه در حال گسترش است و طبیعتاً دانشگاه و هنر و... رواج بیشتری پیدا کرده است از طرفی هم درآمد بالای نفت و میل به تجدد و مظاهر تمدن باعث می‌شود که ما جشن هنر شیراز را داشته باشیم. تالار رودکی شکل بگیرد، تالار تئاتر شهر شکل بگیرد، مجموعه این تحولات به گرافیک و طراحی پوستر نیازمند است تا اطلاع‌رسانی شود که اپرا در تالار رودکی ببینیم و فیلم را در فلان سینما، و از اینجاست که این فارغ التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا شروع می‌کنند به کار گرافیک که سرآمد آن‌ها مرتضی ممیز و دوستانش هستند که طراحی پوستر را آغاز می‌کنند و موجی نو در طراحی پوستر ایجاد می‌شود. جریان موج نو یعنی نگاه زیبایی‌شناسانه غربی و خصوصاً لهستانی تأثیر گرافیک فرهنگی کشور لهستان و سوئیس در ایران به جریانی تبدیل می‌شود که گرافیک ما را شکل می‌دهد. گرافیک ما از اینجاست که چهره آکادمیک پیدا می‌کند و اتفاقی مهم رخ می‌دهد. مرتضی ممیز با همه آن

۱۱- صادق بریرانی (۱۳۰۲) گرافیسیت ایرانی است. او از پیش‌گسوتان هنر گرافیک ایران است که در کنار ارائه آثار گرافیکی به نقاشی نیز می‌پردازد.

۱۲- استاد هوشنگ کاظمی، نخستین طراح گرافیک ایران و از پیشگسوتان گرافیک ایران شنبه چهارم مهر در استرلیا درگذشت. وی متولد ۱۳۰۲ تهران بوده و نخستین ایرانی دانش‌آموخته گرافیک است که اصول و قوانین گرافیک نوین را به ایران انتقال داده است.

۱۳- قباد شیوا (۱۳۱۹ در همدان) طراح و گرافیسیت ایرانی است.

۱۴- فرشید مثقالی (۱۳۲۲ در اصفهان) تصویرگر کتاب‌های کودک و نوجوان، و تنها برنده ایرانی جایزه هانس کریستین آندرسن است. آثار مطرحی چون «خروس زری، پیره‌ن پری» و «ماهی سیاه کوچولو» برای نخستین بار به قلم این هنرمند تصویرگری شده‌اند.

۱۵- علی اکبر صادقی متولد ۱۳۱۶ تهران است. در دوران دبیرستان زیر نظر آواک هایرایتیان نقاشی آبرنگ را آموخت. در سال ۱۳۳۷ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تحصیل خود را ادامه داد. سپس در سال ۱۳۳۸ سبک ویژه‌ای را در هنر ویرته‌ای یا شیشه بند متقوش با حال و هوای سبک ایرانی ابداع کرد. او سال‌ها به شیوه‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف نقاشی همچون ساختن آفیشن فیلم، گرافیک تبلیغاتی و جعبه‌سازی، جلد کتاب کار کرد.

۱۶- آیدین آغداشلو (۱۳۱۹ در رشت) نقاش، نویسنده، منتقد فیلم و طراح هنرمند معاصر ایران است. آثار هنری او به خاطر نمایش اندیشه مرگ و فانی تدریجی و نیز بازآفرینی کارهای مطرح کلاسیک در قالبی نوگرا و سورئال شناخته شده‌اند. دو مجموعه خاطرات انهدام و سال‌های آتش و برف وی از جمله مهم‌ترین مجموعه‌های هنر نوگرا در ایران به شمار می‌روند.

شهرت و اعتبارش برای ادامه تحصیل به فرانسه می‌رود. طراحی که در ایران موفق بوده که کتاب هفته را با شاملو کار می‌کرده، اعتباری داشته و می‌گویند که در آن سفر مهندس سیحون را می‌بیند و صحبت‌هایی می‌شود که می‌آید در دانشگاه تهران به عنوان فارغ التحصیل نقاشی، رشته گرافیک را تأسیس می‌کند. حتماً آقای جواد پور در تأسیس این رشته تأثیر داشته است چراکه مرتضی ممیز به عنوان استاد رسمی این دانشگاه خودش به تنهایی نمی‌تواند رشته‌ای را در دانشگاه تأسیس کند. به هر حال این رشته با تدریس مرتضی ممیز، جلال شباهنگی، سیما کوبان و... تأسیس می‌شود و ما صاحب رشته گرافیک می‌شویم و از آن دوره دانشگاه هنرهای زیبا دانشجوی گرافیک پذیرش می‌کند.

چیدمان: نسل بعدی طراحان گرافیک ایران چه کسانی بودند؟

نسل بعدی طراحان گرافیک ما مثل ابراهیم حقیقی^[۱۷]، بهزاد حاتم^[۱۸]، علی خسروی^[۱۹]، محمدرضا دادگر^[۲۰]، مسعود دشتبان^[۲۱]، مصطفی اسداللهی^[۲۲] و... اغلب دانش‌آموخته دانشکده ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستند. هرچند برخی رشته‌های دیگری خوانده

۱۷- ابراهیم حقیقی طراح گرافیک مشهور ایرانی متولد ۱۳ مهر سال ۱۳۲۸ در تهران است. تحصیلات او دیپلم ریاضی سال ۱۳۴۶ و کارشناسی ارشد معماری دانشکده هنرهای زیبا از دانشگاه تهران است. او عضو انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک، انجمن تصویرگران کتاب‌کودک و انجمن فیلمسازان مستند ایران است. او از سال ۱۳۴۷ تاکنون طراح کتب و مجلات گوناگون بوده است. برای فیلم، سریال و نمایش‌های مختلف صحنه‌رأطراحی کرده است. برای فیلم‌ها و سریال‌های زیادی تیتراژ ساخته است. نمایشگاه‌های متعددی را برگزار کرده و جوایز زیادی را به دست آورده است. طراحی آرم شرکت خودرو سازی سایپا یکی از معروف‌ترین کارهای اوست.

۱۸- طراح پوسترهای دهه پنجاه

۱۹- گرافیسیت و تصویرگر

۲۰- محمدرضا دادگر متولد ۱۳۲۸ همدان است. او پس از به پایان رساندن هنرستان هنرهای زیبای تهران، در رشته گرافیک دانشکده هنرهای زیبا به تحصیل پرداخت و پس از آن دوره کارشناسی ارشد رشته نقاشی را ادامه داد، او همچنین دوره تصویرگری کتاب کودک و نوجوان را در توکیو ژاپن گذرانده است. دادگر کار حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد. نخست در شرکت‌های تبلیغاتی به عنوان طراح گرافیک مشغول به کار شد، مدتی هم به عنوان طراح پارچه و سرامیک کار کرد.

۲۱- مسعود دشتبان متولد ۱۳۲۶، فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا، مدرس پویا‌نمایی در دانشکده صدا و سیما، طراح و سازنده بیش از پنجاه فیلم پویا‌نمایی کوتاه و بلند برای صدا و سیما (وله، تیتراژ میان‌برنامه، علمی و آموزشی).

۲۲- مصطفی اسداللهی متولد ۱۳۲۹ تهران است. او فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران ۱۳۵۵ و نیز فارغ التحصیل دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۹ است.

با برگزاری رفراندوم و تثبیت جمهوری اسلامی پوسترها از تب و تاب انقلابی بودن می افتد و به تدریج پوسترها رسمی می شوند و دیگر آن سراسیمه گی و خشونت در پوستر دیده نمی شوند.

بعد با جنگ روبرو می شویم و همه این مملکت را درگیر خود می کند طبیعتاً پوستر را هم درگیر می کند و طراحان زیادی با موضوع جنگ و با این استایل پوستر می سازند. عکس عکاس های معروفی مثل آلفرد یعقوب زاده که پسری بود که در نیزازی می رفت و با یک عنوان "جنگ، جنگ، تا پیروزی" در خانه ما نصب بود. این عکس ها و نقاشی ها تبدیل به پوسترهایی می شوند که از دفاع این کشور حمایت می کند و در کنار آن پوستر فیلم ها، تئاترها هم هست ولی فیلم ها و تئاترها هم به نوعی متأثر از جنگ و انقلاب هستند و آن لحن شاد و پرطمطراق و پررنگ پوسترها به پوسترهای خاکستری و قهوه ای اگر تبدیل می شود و حتی تنالینته پوسترها عوض می شود. من همیشه گفته ام که: "پوستر آینه تمام نمای اجتماع است"; یعنی از پوستر می توان فهمید که در این اجتماع چه خبر است.

چیدمان: بعد از تحولات اجتماعی ایران پس از انقلاب و رخ داد جنگ آیا می توانیم زمانی را برای تحول بصری یا ابزاری در تولید پوستر در نظر بگیریم؟

بعد از جنگ ما با آن ابزارهای قبل کار می کنیم، تکنیک ها و چاپ ها مهم هستند خیلی از تکنیک ها با آیربراش کار شده است. ما با اولین، دومین و سومین پوستر فیلم فجر روبرو می شویم. پوستر فیلم فجر است ولی عکس مردم را در انقلاب نشان می دهد انگار قرار است فیلم انعکاسی از انقلاب باشد؛ در این دوره به مرور پیش می رویم و به پوسترهایی می رسم که طراحانی مثل ابراهیم حقیقی، محمدرضا دادگر، بیژن جناب^[۲۳] و کسانی که در حوالی انقلاب در سن بیست و سی سالگی بوده اند این کار را انجام می دهند و اتفاق خوبی می افتد و بنیاد سینمایی فارابی تشکیل می شود که شروع به سفارش پوستر می کنند و یکی از جریان های مهم پوستر بعد از انقلاب به نظر من پوسترهای بنیاد سینمایی فارابی است که یک مجموعه های شاخص داریم که در آن بنیاد طراحی می شوند که اگر بخواهیم حرفی از مکتب یا محفل بزیم بنیاد سینمایی فارابی است که قبل از انقلاب هم این محفل ها را داشتیم به عنوان مثال یک سری طراح در محفل کانون پرورش فکری کار می کنند و یا یک سری طراح که در مجله تماشا کار می کنند گرافیک های رادیو و تلویزیون هستند و این محفل ها بعد از انقلاب کمتر هستند ولی هستند، جاهایی که پوستر را با سفارشاتشان زنده نگه می دارند.

موزه هنرهای معاصر یکی از نهادهایی است که با یک اساسنامه درست و کامل از قبل از انقلاب شروع به کار کرده است و تا بعد از انقلاب هم فعالیت دارد و مجموعه ای از پوسترها را دارد که در آنجا ساخته می شوند و شکل می گیرند.

با آمدن کامپیوتر -ابزار جدید- دیگر لازم نیست از شابلون و عکاسی کردن از حروف استفاده کنیم. ساختار نوشتار و تایپ دیجیتال می شود، اتفاقی که در همه جای دنیا می افتد و یک نوع تایپوگرافی کامپیوتری شکل می گیرد، امکان جابه جا کردن حروف به یک جریان مهم در دهه هفتاد و هشتاد تبدیل می شود که طراحانی مثل رضا عابدینی^[۲۴]، بیژن صیفوری^[۲۵]، مسعود نجابتی^[۲۶]، ساعد مشکی^[۲۷] و... نسل چهارم گرافیک-، کارشان را

۲۳- بیژن جناب متولد ۱۳۳۱، لیسانس گرافیک، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ (پروژه دیپلم: تصویرسازی اشعار مولوی)، فوق لیسانس تبلیغات، دانشگاه دولتی لوآ، امریکا، ۱۳۶۱.

۲۴- رضا عابدینی (تهران ۱۳۴۶) طراح و گرافیست معروف ایرانی است. او فارغ التحصیل رشته طراحی گرافیک از هنرستان هنرهای تجسمی پسران تهران و لیسانس نقاشی از دانشگاه هنر تهران است و فعالیت حرفه ای خود را از سال ۱۳۶۸ آغاز کرد. وی تاکنون چندین جایزه بین المللی را بخاطر آثارش دریافت کرده است. او اولین طراح ایرانی است که نامش در کتاب تاریخ طراحی گرافیک مگز ثبت شده است.

۲۵- بیژن صیفوری (۱۳۴۷ کردستان) طراح گرافیک، مدیر هنری، عکاس، نویسنده و استاد دانشگاه ایرانی است.

۲۶- مسعود نجابتی متولد ۱۳۴۶ تهران است. این عضو انجمن گرافیکست های ایران، در سال ۱۳۷۸ در رشته گرافیک مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه هنر فارغ التحصیل شد. نجابتی، عضو انجمن خوشنویسان ایران است.

۲۷- ساعد مشکی (متولد ۱۳۴۲ شمسی) طراح گرافیک مشهور ایرانی است.

آند ام آنها نیز به نوعی شاگردان همیز بوده اند و متأثر از معلمی مرتضی همیز هستند. آنچه که همیز را با دیگران متفاوت می کند نسلی از شاگردهایی است که طراحی پوستر می کنند. هر کدام از اینها شروع کرده اند به طراحی پوستر مثل ابراهیم حقیقی، حسن اوجی در کانون پرورشی کار می کنند و عده ای در مجله تماشا کار می کنند مثل علی خسروی و دیگران، در جاهای مختلف اینها طراحی پوستر را ترویج می دهند.

چیدمان: آیا پوسترهای این نسل ویژگی خاصی دارند؟

ویژگی این پوسترها این است که برای مخاطب خاص و قشر تحصیل کرده با سواد بصری بالا طراحی می شوند. این پوسترها پوسترهای عمومی نیستند در حالی که خیلی از فیلم ها مثل فیلم های فارسی وحدت، همچنان پوسترهای شکل قبلی خود را حفظ کرده اند. افرادی نیز از این شکل گرافیک حمایت می کنند؛ طراحی پوستر حرفه ای تر و به نوعی مد روزتر، همه اینها می آید و به انقلاب که نزدیک می شویم. یک سبک و استایلی در گرافیک ما به وجود می آید که انگار حسی از اعتراض را دارد که شاید تأثیر روح دوران است.

این ادامه دارد تا در سال ۵۷ گروهی از طراحان با انقلاب همراه می شوند مثل گروه ۵۷ که فارغ التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا هستند و با یک سری دیدگاه مشخص پوستر می سازند و از طرفی برادران شیشه گران که بر اساس تجربه های پوسترهای شان، پوسترهای ضد شاه می سازند و از طرف گروهی از طراحان با تأسی از گرافیک روسیه و کوبا و توجه به رئالیسم و سوسیالیستی که آنجا حاکم بود. پوسترهای ۵۷ بیشتر تأثیر گرفته از انقلاب ۶۸ فرانسه است و مجموعه سلیقه ها و افراد است که باعث می شوند شاه برود همان مجموعه گوناگونی سلیقه ها و آدم ها پوسترهای انقلاب را به عنوان یکی از پرمخاطب ترین بازه های تاریخ پوستر می سازند، نمی توان به صورت دقیق تحلیل کرد که چند پوستر در انقلاب ساخته می شود شاید بتوان گمانه زنی کرد چند هزار پوستر در بازه انقلاب تولید شده است. از ۱۷ شهریور ۵۷ تا زمان رفراندوم که اکثراً چاپ دستی، سیلک و حتی نمونه هایی بوده که از اوزالید استفاده می کردند.



با تایپ و نوشتار انجام می‌دهند خیلی از پوسترهایی که اینها می‌سازند این قاعده را دارد و واقعیتی که وجود دارد اینست که نمی‌توان جریان تایپ را در حوزه طراحی پوستر تئاتر و فیلم وارد کرد، پوسترهایی که رضا عابدینی برای فیلم‌ها ساخته پوسترهایی بر اساس عکس و تصویر است.

چیدمان پس می‌توان گفت شاخصه نسل گرافیک ایران تایپوگرافی کامپیوتری است؟

این نسل قبل از کامپیوتر گرافیک را شروع کرده بودند اما اوج شهرت شان با جریان تایپوگرافی بیشتر در حوزه مجلات و ناشرها مورد استقبال واقع می‌شود به همین علت می‌توان گفت تعداد پوسترهایی که بر اساس نگاه و محور تایپوگرافی ساخته شده است به مراتب کمتر از طرح جلد‌های کتاب‌های هابی است که در این دوره منتشر شده‌اند، نیست یک دوره‌ای طرح جلد‌های کتاب‌های ابراهیم نبوی^[۲۸]، اکبر گنجی^[۲۹] تایپوگرافی‌ها و فضاهای مشابه شده بودند که به بعضی‌ها هم به آن گرافیک دوم خرداد می‌گفتند.

چیدمان: خوب طبیعتاً این نام گذاری که کاملاً محتوا محور و سیاسی است، نسل بعد چه؟

بله و شاید هم خیلی درست نبود؛ نسل بعدی با نسل قبل تفاوتی و مسأله بنیادین دارد این نسل که به نسل پنج طراحان گرافیک موسوم است و کتابی هم با عنوان نسل پنج چاپ شده است تفاوتی دارد که جمعیت آن‌ها تقریباً با جمعیت تمام گرافیست‌هایی که از قبل داشتیم، برابر است. متولدین دهه پنجاه و شصت جمعیت بالایی دارند و این نسل در واکنش به نسل قبل بیان گرافیک خودش را پیدا کرد، برخی با تبعیت از نسل قبل و برخی در انتقاد و مقابله، بر اساس آن گوناگونی شهر فرنگ‌واری در دهه‌ای که ما طراحی پوستر را انجام می‌دهیم - دهه هشتاد - شکل می‌گیرد. عقیده‌ها و دیدگاه‌های مختلف می‌آیند، افزایش جشنواره‌ها باعث می‌شود که یک سری از طراحان گرافیک با شرکت در این جشنواره‌ها و بردن جوایز از آن جشنواره‌ها بخواهند خودشان را شایسته و رسمیت دهند و برخی با انجام سفارش‌های واقعی و نزدیک شدن به مردم و بازار کار حرفه‌ای و نسل ششم را چه کسانی با چه ویژگی‌هایی تشکیل می‌دهند؟ هنوز برای قضاوت این نسل زود است، خیلی چیزها ممکن است تغییر کند و باید صبر کرد تا در آینده دید. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۸- حسید ابراهیم نبوی (۱۳۳۷)، آستارا) فعال سیاسی، نویسنده و طنزنویس ایرانی است. نبوی از منتقدان سیاسی خارج از ایران می‌باشد که در حال حاضر در کشور بلژیک اقامت دارد.

۲۹- اکبر گنجی (۱۳۳۸)، تهران) نویسنده، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی ایرانی است. او برنده جوایزی از جمله جایزه قلم طلایی انجمن جهانی روزنامه و نگاران، جایزه مارتین انالز و جایزه میلتن فریدمن مؤسسه کیتو شده است.

فد

ولفقا

فنون

چیدمان

فنون

فد

فد

فنون

فنون

سازمان

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

مجموعه آثار طراحی استاد مصطفی اوجی

